



# عینیت کرات در شعر مدّهی

یک بررسی مقایسه‌ای کوتاه با شعر جنگ  
فروردین پارسا

گونه دوم شعر جنگ  
شعری بود که شاعر  
در آن برای بیان  
جنگ و فلسفه آن، به  
واقعیات عینی و ملموس  
جنگ می‌پرداخت و از  
برخورد سطحی، وصفی  
و شعاری یا مسئله،  
سخت در گریز بود

## مقدمه

شعر جنگ، لفظ عامی است شامل مجموعه سروده‌هایی که در دوره جنگ هشت‌ساله ایران با عراق و سال‌های پس از آن، درباره جنگ، دفاع، ایثار و اثرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این پدیده سروده شده است. در شعر جنگ - به معنای عام آن - مخاطب با دو نوع شعر روبه‌روست: نخست، شاعرانی که برداشتی سطحی و نه چندان عمیق از جنگ داشتند و با درون‌مایه‌های اصلی جنگ، که ریشه در واقعیت و عینیت خارجی داشت، نسبتی به هم نرسانده بودند. این نوع نگرش خاص، که تنها به نفس نبرد، آن هم پوسته‌ی ظاهری آن می‌پرداخت، محصولات «نسبتاً زیاد»، اما «کمتر اثربخش» می‌داشت. محصول این طرز نگاه، مآلاً شعری بود که بیشتر در وصف جنگ و صحنه‌های بی‌کار بود، و یا توصیف رشادت‌ها و دلاوری‌های جنگاوران؛ مثل تشبیه آنها به نمادهای شجاعت و مانند آن. حداکثر بُرد عملکردی که این‌گونه اشعار داشتند، شاید تهییج و انگیزش لحظه‌ای و سطحی و نوعی اظهار شکوه و غرور زودگذر برای مخاطب عوام بود و البته بعد از اتمام جنگ، آن شعرها نیز به نوعی به اتمام رسیدند و دیگر جز در مجموعه‌های شعر جنگ، نمی‌توان از آن‌ها سراغی یافت.

گونه دوم شعر جنگ، شعری بود که شاعر در آن، برای بیان جنگ و فلسفه آن، به واقعیات عینی و ملموس جنگ می‌پرداخت و از برخورد

سطحی، وصفی و شعاری با مسئله، سخت در گریز بود. شاعرانی که در این دسته قرار می‌گیرند، عمدتاً کسانی‌اند که برای بازخوانی پرونده عمیق وقایع جنگ، پوسته آن را شکافتند و با نگرش عمیق، عینی، دقیق و موشکافانه، به بررسی جنگ و تبعات سیاسی و به ویژه اجتماعی آن و... پرداختند. اشاره به صحنه‌های جزئی جنگ، مثل کشتار کودکان و شب‌های بمباران، که با نوعی بیان عاطفی خاص و قوی پیوند داشت، نوعی برداشت جزئی و عینی از جنگ بود که در بطن خود تمام فلسفه‌ی جنگ و تبعات مترتب بر آن را هم گنجانیده بود و، به بیان دیگر، از حوزه شعار و هیجان‌زدگی خارج شده بود و به حوزه عینیت و ذکر تبعات واقعی جنگ با نگاهی موشکافانه می‌پرداخت. این طرز نگاه، در ضمن هدف اصلی خود، که بیان واقعیات و انگیزش تأثر مخاطب بود، تمام فلسفه جنگ را نیز به صورت پیامی کلی در اختیار مخاطب قرار می‌داد. طرفه آن که، این‌گونه شعرها نه تنها بعد از جنگ هم باقی ماندند و هر زمانی تأثر و تألم خواننده را بر می‌انگیزند، بلکه گونه‌های از شعر مستند در موضوع جنگند که می‌توانند در هر زمانی، واقعیات بیرامون جنگ را زنده کنند. دلیل اصلی این مسأله نیز، نوع برخورد عینی با واقعیات ملموس و پرداخت هنری آن‌هاست که باعث شد این شعرها همواره ماندگار و تازه باشند.

در شعر مذهبی نیز، عین همین مسئله به چشم می‌خورد و در این نوع شعر نیز همواره دو دیدگاه بر شاعری غلبه دارد: دیدگاه سطحی و دیدگاه



عمیق و عینی‌نگر؛ و البته چیزی که از شعرهای عمیق و عینی مذهبی انتظار می‌رود، فراتر و عام‌تر از نمونه مشابه آن در شعر جنگ است.

در دسته نخست، یعنی نوع نگرش بیرونی، سطحی و فاقد عینیت، شاعرانی بوده و هستند که با مذهب و وقایع تاریخی آن، به صورت ظاهری و قشری برخورد می‌کنند و این نوع نگاه را به خوبی می‌توان در متن آثارشان دید. شاعرانی که در این دسته قرار می‌گیرند، تنها به «کلیات» می‌پردازند و از ورود به جزئیات و توصیف هنری - عینی آن‌ها، که می‌تواند در پله‌های برای اتصال به کلیات مهم‌تر و اساسی‌تر باشد، به علل مختلف، محروم می‌مانند. این دسته، تنها به توصیف کلی و دور از وقایع مذهبی (مثل عاشورا، شهادت امیرالمؤمنین و...) می‌پردازند و البته اقتضای این نوع نگرش هم، آن است که از صنایع ادبی نیز به صورت کلی و ناملموس استفاده کنند. این گونه برخورد با شعر، از نوع مذهبی‌اش، حداقل در دو بعد ضعیف است:

### الف. برقرار کردن ارتباط عمیق، عینی و حسنی با موضوع

گفتیم که وصف کلی یک موضوع و عدم برخورد درونی و ریشه‌ای

مکشوف و روایت می‌شود، به احتمال غالب، ماندگارتر و مؤثرتر است؛ مثلاً خصلت «گذشت»، یکی از کرامات کلی همه امامان معصوم علیهم‌السلام است که در هر یک از آنها به گونه‌ای ظهور می‌یابد؛ اما در حضرت امیر(ع) این خصلت حتی زمانی هم که در بستر شهادت است، دیده می‌شود. وی شیر را به قاتل خود به اشاره تعارف می‌کند:

می‌زند پس لب او کاسه شیر  
می‌کند چشم، اشارت به اسیر  
(شهریار)

پرداخت هنرمندانه این جلوه خاص از ایثار، به صورت کلی نیست، بلکه هم ایثار را در این شکل خاص که ویژه مولای متقیان است، نشان داده و هم سرمشق اخلاقی ویژه‌ای ارائه کرده که دربرگیرنده نکته‌ای واقعی از تاریخ نیز هست.

### ب. برقرار کردن ارتباط با مخاطب

دومین نتیجه برخورد سطحی با موضوع، عدم برقراری ارتباط عمیق و ماندگار با «مخاطب» است. وقتی شاعر نتوانسته است خود با موضوع مورد نظر، ارتباط عمیق برقرار کند، نباید توقع داشت که شعرش بتواند با مخاطب ارتباط عمیق برقرار کند و بر او تأثیر بگذارد؛ چراکه وصف کلی، هرگز تأثیر چندانی بر جای نمی‌گذارد و مخاطب با خواندن این گونه اشعار، به راحتی از کنار آنها می‌گذرد و دل مشغولی فکری در مورد موضوع پیدا نمی‌کند.

### خاتمه

ما به این دلیل که از شعر مذهبی انتظار خاصی داریم، باید به این نکته مهم توجه جدی داشته باشیم که هدفی که یک شعر مذهبی دنبال می‌کند، به مراتب بزرگ‌تر و مهم‌تر از هدفی است که یک غزل عاشقانه یا شعری اجتماعی، سیاسی و جز این‌ها دارد. اگر ما بخواهیم همه تاریخ و وقایع تاریخ مذهب را با بیان خشک و مستقیم انتقال دهیم، قطعاً در کار خود موفق نخواهیم بود، و صد البته، گروه زیادی از مخاطبان را از دست می‌دهیم. ما باید رویدادهای تاریخ مذهب را به صورت هنری و دیگر گونه ارائه دهیم تا قالب هنری، قالب بیانی مخاطب ما با خوانند باشد و از این رهگذر، هم کار خود را کرده باشیم و هم دایره مخاطبان مان را افزوده باشیم. هدف شعر مذهبی، ارائه پیام، زنده کردن وقایع و رویدادهای تاریخ مذهب، ارائه روش و خط فکری و در یک کلام، معرفی جلوه‌های گونه‌گون مذهب است و هر گریزگاه خوب و متعالی را باید در آن راه مورد استفاده قرار داد تا این کار به نحو بهتری انجام شود.

این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که مویه‌گری و حماسه‌خوانی صرف در شعر مذهبی، نه دردی را از مذهب دوا می‌کند و نه گزارشی از تاریخ مذهب را به آیندگان منتقل می‌نماید تا در پرتو اشعار شاعران، سیمای مذهب و چهره‌های مذهبی را تماشا کنند. اگر در شعر مذهبی، عینیت با هنر آمیختگی پیدا نکند و شعر تنها به وصف کلی از موضوع مورد نظر محدود شود، کارکردی جز انگیزش سطحی و لحظه‌ای در پی نخواهد داشت و این مسأله‌ای جدی، اما مغفول در شعر مذهبی امروز است.

با آن، باعث می‌شود که حق موضوع به گونه شایسته ادا نشود. ما وقتی از شخصیت بزرگ و بلندمرتبه‌ای چون امیرمؤمنان سخن می‌گوییم، اگر حضرت ایشان را در شجاعت به «شیر»، در بزرگی و صلابت به «کوه»، و در گرمی و محبت به «خورشید» هم تشبیه کنیم، کار مهمی جز یک توصیف کلیشه‌ای نکرده و حق ایشان را آن گونه که باید، ادا نکرده‌ایم. از سویی، شاعر کوتاهی کرده است و وصف او کلی و «قابل صدق بر همگان» است و از سوی دیگر، به ویژگی‌های خاص شخصیتی آن حضرت اشاره‌ای نکرده است؛ حال آن که اشاره به ویژگی‌های خاص ایشان، می‌تواند مخاطب را از دایره ذهنیات به حوزه عینیات بکشاند و آنچه در این حوزه

هدفی که یک شعر مذهبی دنبال می‌کند، به مراتب بزرگ‌تر و مهم‌تر از هدفی است که یک غزل عاشقانه یا شعری اجتماعی، سیاسی و جز این‌ها دارد

